

اشغالگری در شعر امروزی عراق (از سال 2003م تا سال 2010م)

علی نظری،¹ اسید محمود میرزایی الحسینی،² نعمت عزیزی³

چکیده

اشغال عراق به دست نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و انگلیس در ماه مارس 2003م، (فروردین 1382) حادثه مهم قرن حاضر، به شمار می‌رود که تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بزرگی را در پی داشت. بدون تردید، ادبیات، به ویژه شعر در این سرزمین، آینه خرابی‌ها، کشتار و هتک حرمت‌هایی است که اشغال این کشور از خود بر جای گذاشت. شاعران عراقی این دوره تلاش نموده‌اند تا پرده از چهره واقعی و درنده خوی اشغالگران بر دارند و اهداف اصلی آنان را از قبیل چپاول نفت و میراث سرزمین عراق که در پس پرده دموکراسی و آزادی و خدمت‌رسانی پنهان نموده‌اند، برای همگان آشکار سازند. در این میان شاعران از اسالیب و شیوه‌های بیانی مختلف، به ویژه رمز، و نماد بهره‌ای فراوان برده‌اند؛ لذا گاه گرگ را سمبل خون‌ریزی و قتل و گاه، خوک را رمز ویرانگری و تخریب و گاهی، شخصیت‌های منفور تاریخی مانند هولاکو، ابرهه و ابو رغال را مجسمه تمام‌نمای اشغال عراق معرفی می‌کنند. این مقاله تلاش می‌کند موضوعات فوق را در شعر عراق، بعد از اشغال (2003 - 2010م) تحلیل و بررسی کند.

کلید واژگان: اشغالگران - شعر معاصر - عراق

alinazary2002@gmail.com

1. استایار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

2. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

3. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

تاریخ پذیرش: 89/2/30

تاریخ دریافت: 88/11/19

1. مقدمه:

ادبیات در دوره های مختلف تاریخ بشر در خدمت جامعه بوده است تا با گونه های مختلف، زبان حال جامعه خود باشد؛ گاهی از زیبایی وطنش می گوید و گاهی بر درد مردمانش می گرید (شعبان، 2009) در سایه جنگ ها و ظلم هاست که هر قربانی ای به متن یا حماسه ای تبدیل می شود و هر سطر بلکه هر ویرگولی در این حماسه، فریاد اعتراض در مقابل آن است (عبیدی، 2005: 3) کشورهای عربی نیز در دوران معاصر شاهد جنگ ها، شکست ها و ناکامی های فراوانی بوده اند که این امر، نقش ادبیات را برای بیان کاستی ها، درد و رنج این ملت ها، بیش از پیش برجسته می کند. کشور عراق بعد از پشت سر نهادن دوره ای طولانی از تحریم ها، فقر و گرسنگی و ظلم حاکم دیکتاتور، صدام حسین معدوم، سرانجام در روز چهارشنبه 20 مارس 2003 م. به اشغال نیروهای آمریکائی و هم پیمانانشان درآمد. این نکته خالی از لطف نیست که برخی از مورخان معتقدند که این حمله از دو جهت با حمله مغول به بغداد شباهت دارد:

1. این تاریخ مصادف است با هفتم ماه صفر هجری قمری یعنی همان روز و ماهی که مغول ها در سال 656 هـ. ق عراق را اشغال نمودند. 2. نیروهای اشغالگر آمریکایی نیز همچون مغول ها بعد از بیست و یک روز نبرد با سپاهیان عباسی، توانستند عراق را در این مدت اشغال نمایند. (فتحی سلطان، 2007) به هر شکل این حادثه بزرگ قرن، ضربه ای روحی و فکری برای بسیاری از ادباء این کشور به شمار می رفت. (عبیدی، 2005: 4) از آنجا که شعر در عراق نسبت به سایر انواع ادبی جایگاه رفیع تری دارد، بدیهی است که مسؤولیت آن در این برهه از زمان سنگین تر باشد. سرزمینی که به عقیده نزار قبانی، شاعرانش، از نخل هایش بیشترند (شعراء العراق اکثر من نخلیه) و به قول محمود درویش، عراقی بودن شرط ابداع شعری و عراق، زادگاه و خاستگاه شعر است «فکن عراقياً لتصبح شاعراً فالشعرُ یولدُ فی العراق» (نظری و عزیز، 1388) و شعر مقاومت و ادبیات پایداری یکی از برجسته ترین انواع شعری است که در این کشور از

آغاز قرن گذشته و پس از اشغال آن از سوی انگلستان، نزد شاعرانی همچون محمد مهدی جواهری، معروف رصافی، معروف عبدالغنی و ... تجربه شد. (دلیمی، 2004) شاعران دوره اشغال اخیر نیز، در برابر این وضعیت پیش آمده، رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کردند؛ گروهی به انزوا گراییدند و گروهی دیگر در داخل عراق با اسامی مستعار ادبی، فعالیت های سیاسی و مذهبی خود را ادامه دادند و علیه اشغالگری به مقاومت پرداختند. اما بیشترین حضور را در انعکاس اوضاع کنونی عراق و مقابله با اشغالگران، شاعران عراقی خارج از وطن برعهده دارند که تعلقات و وابستگی های حزبی و سیاسی آنان نسبت به شاعران داخل کشور، کمتر است. (عبیدی، 2005: 4) در این مقاله قصد بیان انعکاس اقدامات نیروهای اشغالگر در شعر این دوره را نداریم، بلکه در پی پاسخی برای این سؤال هستیم که شعرای عراق، در این دوره چه رویکردی به اشغالگری دارند؟ و از همه مهم تر، چهره اشغال و اشغالگران در آیین شعر این دوره، چگونه است؟

شایان ذکر است که نبود فضای سیاسی مناسب برای چاپ آثار این شاعران و فاصله زمانی اندکی که از اشغال عراق تا به امروز می گذرد، به همراه دلایلی دیگر، می تواند در انتشار اشعار و آثار آنها در پایگاه های اینترنتی، دخیل باشد. ارجاع به این منابع، به همراه دریافت آثار از طریق مکاتبات نگارندگان با صاحبان اثر از طریق پست الکترونیکی، تا حدودی در مقالات داخلی مرسوم نبوده و برای نویسندگان این مقاله مشکل ساز است. لکن شیوه نامه حاضر در روش ارجاع نویسی درون متنی، بیش از هر منبعی به شیوه نامه انجمن روان شناسی آمریکا (APA) نظر دارد. (نک: فتوحی، 1385: 17) در این مجال چهره اشغالگری را در آیین شعر شعرايي همچون یحیی سماوی، طارق حربی، عدنان صائغ، عارف ساعدی، حسن رحیم خرسانی و ... تبیین خواهیم کرد. و به تعبیر، رموز و شیوه هایی که شعراء به وسیله آنها سیمای واقعی اشغالگران را ترسیم نموده اند، می پردازیم. شایان ذکر است در پی بهره گیری از اشعار شاعر شهیر عراق یعنی احمد مطر نیز بودیم لکن اشعاری نیافتیم که موضع شفاف وی را در قبال اشغالگری اخیر نمایان سازد.

2. چپاولگری و اشغالگران

بدون شک، کشورهای اقتدارگرا و استعمارگر، همواره در اشغالگری، اهداف متعددی را دنبال می‌کنند که اهداف مادی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌آید. نگارندگان در مجال زیر برآند تا از خلال شعر عراق، پرده از اهداف واقعی اشغال سرزمین عراق بردارند.

2-1. چپاولگران نفت

یکی از مسائلی که بعد از تصرف سرزمین‌ها به دست بیگانگان در تمامی دوران به چشم می‌خورد، به استثمار کشیدن آن ملت و چپاول میراث آن سرزمین است. کشور عراق و سومین مالک ذخایر تایید شده نفتی کشورهای جهان است و 115 میلیارد بشکه ذخیره تایید شده نفتی دارد. طبق نظر محمد علی زینی، اقتصاددان صنعت نفت عراق، میزان ذخایر تایید نشده نفتی این کشور بین 215 تا 240 میلیارد بشکه است (مشهدی رجبی، 1388) بر این اساس، به عقیده برخی از شعرای این دوره، نفت عامل اساسی طمع بیگانگان به کشور عراق است. یحیی عباسی عبود سماوی، یکی از شعرای پایبندی است که به این موضوع اهتمام ویژه دارد. وی در سال 1949 در سماوه عراق به دنیا آمد و لیسانس ادبیات عرب را از دانشگاه مستنصریه این کشور گرفت. او مدتی را به تدریس و روزنامه نگاری در عراق و عربستان مشغول بود و در سال 1997 به استرالیا مهاجرت کرد. مهم‌ترین دیوان‌های شعری وی عبارتند از: عیناک دنیا (1970)، قصائد فی زمن السبى و البكاء (1971)، قلبی علی وطنی (1992)، من أغانی المشرود (1993)، جرح باتساع الوطن (1994)، الاختیار (1994)، عیناک لی وطن و منفی (1995)، رباعیات (1996)، هذه خیمتی ... فأین الوطن (1997) و چند دیوان شعری جدید که بعد از اشغال عراق سروده است (نجار، 2009) این شاعر در قصیده "أخرجوا من وطنی"، اشغالگران را تاجران جنگ‌های نفت می‌داند که به چپاول و مکیدن نفت عراق (النفط والشفط) می‌پردازد و در نتیجه، آنها را عاملان جنگ و کشمکش و همچنین سارقان قرص‌نان این ملت معرفی می‌کند: «حَرُّونا منكم الآن... / ومن زيفِ الشعاراتِ / وتُجَارِ حروبِ «النفطِ والشفطِ» / وأصحابِ حوانيتِ النضالِ سارقي أَرْغِفَةِ الشعبِ / أدلاءِ

جیوش الإحتلال... / فاجرجوا من وطني...» (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، 2006: 9) وی در قصیده "کل عصرٍ وله ربٌّ" و "هولاکو" جدید"، به یغما رفتن نفت عراق را به گونه ای متفاوت بیان می کند و به مقایسه اوضاع مردم عراق با اشغالگران می پردازد که به عنوان خدایان جنگ، بر سر بهترین سفره بهشت (عراق) می نشینند و آتش آن را به دامن مردم عراق می افکنند: «لهم باسم اله الحرب / ما یفضلُ من مائدة الجِنَّة / و النارُ لنا ...! / و لهم ما تُکثرُ الأرضُ من النفط / و عطفُ العترو الزفتُ لنا ...!»

از منظر این شاعر، سرمایه ها، منافع، محاسن و ثروت عراق، از آن اشغالگران و بدبختی ها، سختی ها و ناگواری های آن از آن مردم است. چنین به نظر می رسد که منظور شاعر از عطف العنز (آب بینی بز) و از الزفت (قیر) این است که اشغالگران، نفت پالایش شده و خالص را به یغما می برند و ناخالصی های آن را (قیر) که باعث آلودگی و پیامدهای منفی است، بر جای می گذارند. سماوی در نودمین قصیده از (مسیحةٌ من خرز الکلمات) در خصوص نفت و چپاول آن و نا برخورداری صاحبان اصلی آن چنین می گوید: «بماذا یغویک عاشق / لا یملکُ من "بجر نفط الوطن" / لتراً واحداً لفا نوسه / فی الوطن المعروض للإیجار» (با چه چیزی عاشقی، تو را فریفته / که از دریای نفت و طنش / تنها یک لیتر را برای فانوسش در اختیار ندارد / در وطنی که برای اجاره، به نمایش گذاشته شده است) (سماوی، مسیحة من خرز الکلمات، 2008: 97)

طارق حربی، یکی دیگر از شعرای عراق، نفت این کشور را یکی از عوامل رنج مردم و به طمع افتادن آمریکایی ها می داند. این شاعر در سال 1957 در شهر ناصریه، جنوب عراق، به دنیا آمد. حضور اجباری وی در جنگ ایران و عراق در شرق بصره و سر پل ذهاب، تأثیری بزرگ بر اشعار وی بر جای گذاشته است. وی از سال 1993 در نیروژ اقامت گزیده است. مهم ترین آثار وی عبارتند از: حرب 80، شراع الجنوب، عشرة فی الحرب و عشرة فی تیه البحر (حربی، 2009) طارق حربی تحت تأثیر زندان مشهور و دلخراش ابو غریب در قصیده ای با همین نام، با اشاره به مشعل های خاموش پالایشگاه ها، بی نصیبی مردم عراق از نفت خود را متذکر می شود: «علی قلسی / آثار هراوة {باتوم، چماق} آمریکیه الصنع / أشرعی الأبواب یا أمة مسحولة {رنده شده} / من

شَعْرُها / من تاریخها و زیف حیاتها / من نفظها / حیث الحرائق و مشعلیها صامتین / من یدها القصیره» (حربی، شرع الجنوب، 2004: 39) وی در ادامه، ادعای آمریکایی‌ها مبنی بر به ارمغان آوردن دموکراسی برای مردم عراق را، تنها ابزار و بهانه‌ای برای دست یافتن به نفت این کشور معرفی می‌کند: «خدایا آمریکا از کجا آمد!!» / با سگان عو عو کنان و گاز گیر / با پدافند سنگین / با بی قانونی و دموکراسی / که هنوز در گرو وزارت نفت است» (همان)

رویکرد شاعران زن نیز در این دوره حائز اهمیت است. در این میان از ماجده سلمان محمد می‌توان نام برد. وی از متولدین 1968. م شهر بغداد است که در سال 1991 از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه بغداد فارغ التحصیل شد. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به رحیل الیمام، تنهدات نخله و دیوان قلبان فی حو فی اشاره نمود. وی هم اکنون در عراق اقامت دارد. (سلمان محمد، 2010) این شاعر در قصیده " نداء"، در کنار ترسیم چپاولگری اشغالگران و با اشاره به تجزیه شمال عراق، از آنان چهره‌ای تفرقه انداز نیز به تصویر می‌کشد: «ای بهشت خدا در روی زمین ... / خاکت را بالش قرار دادند / از دجله نوشیدند / و خرمایت را بلعیدند / و رفتند ... و تو را تنها با سختی هایت رها کردند. / . / و بر سفره‌ی گفتگوها / گوشت سرد را / با خون سرد تناول کردند / همه‌ی نفت را نوشیدند حتی ته مانده آن را / آنگاه بقایای زائدش را سوزاندند / تا آثار جنایت را پنهان کنند / و همچون قاچ شیرینی / قطعه‌ای از نقشه پاره پاره‌ی سرزمینت را میل کردند و شمالت را از تو گرفتند» (سلمان محمد، تنهدات نخله، 2007:98) ماجده سلمان در ابیات فوق، نقشه عراق را به کیک شیرینی، تشبیه نموده است که این اشغالگران که بر سر سفره مذاکرات گرد هم آمده‌اند و کردستان عراق را به عنوان قطعه و لقمه‌ای شیرین، از این کیک (عراق) جدا کرده‌اند.

2-2. چپاولگری میراث ملی

شاعران این دوره، نیروهای اشغالگر را فقط چپاولگران نفت معرفی نمی‌کنند، بلکه بر این باورند که علاوه بر آن، به تاراج دیگر سرمایه‌های ملی عراق و حاصل دست رنج

مردم نیز می پردازند. در قصیده دهم از سلسله قصاید (نقوش علی جذع نخلة)، یحیی سماوی مردم عراق را گاهی به چرخ آبکشی که بر گرفته از سنت و تمدن دیرینه عراق است، تشبیه می نماید که شلاق اشغالگران، قاتلین و مزدوران به دور آن می پیچد و از چاه ثروت و ذخایر عراق به تاراج می برند: کَأَنَّا النَّاعُورُ {چرخ آبکشی از چاه} / اَنْدُورُ حَوْلَ نَفْسِنَا... / وَحَوْلَنَا يَدُورُ ظَبْسُوطِهِ الْمُحْتَلُّ... وَالْقَاتِلُ.. وَالْمَأْجُورُ (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، 2006: 111) و گاهی دیگر آنان را به تنوری تشبیه می کند که نان آن را اشغالگران، قاتلان و مزدوران می خورند و خود با بیشترین زحمت به کمترین چیز آن یعنی خاکستر، قناعت می ورزند: كَأَنَّا التَّنُورُ / نَقُوعُ بِالرَّمَادِ مِنْ وَجَانِ {اجاق، بخاری} / وَخَبْرُنَا يَأْكُلُهُ الْمُحْتَلُّ.. وَالْقَاتِلُ.. وَالْمَأْجُورُ (همان)

"هل هذه بغداد؟"، عنوان قصیده دیگری از یحیی سماوی است که در آن اشغال عراق را به بهانه آزاد سازی، ضیافتی برای غارتگران دنیا می داند که باعث شده تا همه آنان بر سر این سفره میهمانی، گرد هم بیایند و به غارت عراق بپردازند: فاذا بتحریر العراقِ وليمَةً / حَفَلَتْ بِمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ سُرَّاقِ (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، 2006: 163) عارف حمود سالم، از دیگر شعرای این دوره است. وی، متولد 1957 در بغداد و رئیس اتحادیه شاعران جوان بغداد و عضو اتحادیه ادیبان و نویسندگان عراقی است. مهمترین آثار وی عبارتند از: رحله بلالون، عمره الماء (ساعدی، 2010) عارف ساعدی از دیگر شعرای عراق است که در قصیده "اقترفت العراق"، به تاراج عراق، حيله گری و دروغ و فریب بیگانگان اشاره می کند و معتقد است که اگر احوال سرزمینم را از آنان جویا شوی، پاسخ آنان هزار بار گناه و یک توبه خواهد بود:

سرقوا غیما فقیل حفاف	و صرخنا فلملموا الأمطارا
یا سموات هل رأیت الغیاری	أكلوا قمحنا و صلوا سکاری
و اذا ما سألتهم عن بلادی	ندموا مرة و عاثوا مرارا

(ساعدی، 2009: 83-82)

حسن رحیم خرسانی نیز همچون طارق حربی، دموکراسی و به ارمغان آوردن آزادی برای مردم عراق را بهانه ای برای چپاول و سرقت آفتاب عراق می داند. وی در

قصیده " اخیراً منحنی النقاد وسام النيسان"، در این باره می گوید: تحت شمس العراق / کتبوا ديمقراطياتهم / ثم سرقوا الشمس!!.. (خرسانی، صمتی جمیل یحب الکلام، 2006: 59)

3. توحش و اشغالگری

یکی دیگر از چهره‌هایی که شاعران عراقی از نیروهای اشغالگر ترسیم می‌کنند، نسبت دادن خوی حیوانی و توحش به آنان است. یحیی سماوی، خون آشامی و وحشی‌گری جورج بوش پسر را در قصیده "من تمثال الحرية فی نیویورک" این‌گونه بیان می‌کند: فأجیال الغد لابد أن تكون أحسن حالاً / مادام أن الغد / لن يشهد ولادة وحش جديد / اسمه: جورج بوش الحفید!! " (سماوی، شاهدة قبر من رحام الكلمات، 2009: 81) وی بهبود حال نسل آینده را مشروط به متولد نشدن فرزند بوش پسر، که وارث خوی پدر است و شاعر آن را بوش نوه نامیده است، می‌داند. حیوانات درنده خو، نمادها و رمزهایی هستند که شاعران این دوره از آنها برای نشان دادن خون آشامی و ویرانگری اشغالگران استفاده کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

3-1. گرگ:

شاعران این دوره با بهره‌گیری از گرگ، به عنوان رمز و نمادی برای درندگی و توحش سعی دارند تا شدت قتل، کشتار و خونریزی به دست نظامیان اشغالگر در عراق را ترسیم نمایند. یحیی سماوی از آن دسته از شاعرانی است که در جای جای مجموعه‌های شعری خود، نظام دیکتاتوری صدام حسین مستبد را بدترین نظام‌ها و اشغالگران را بدتر از آنها می‌داند و به مبارزه و دعوت مردم به قیام علیه آنان و بیرون راندنشان از سرزمین عراق، می‌پردازد (أرنا ووط، 2007) او در قصیده "أخرجوا من وطنی" این مسأله را این‌گونه بیان می‌کند: نحن لا نستبدل الخزييرَ بالذئبِ / ولا الطاعونَ بالسُّلِّ / وموتاً بالجُدامِ / فأخرجوا من وطنی (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، 2006: 8) وی در این قصیده، وحشی‌گری و درندگی نیروهای اشغالگر را به گرگی تشبیه می‌کند که

مردم عراق، راضی به جایگزینی آن به جای بعضی های خوک صفت ویرانگر، نیستند و هر دو را همچون بلاهایی مهلک به تصویر می کشد و در نهایت امر به خروج آنها از وطنش می کند. او از میان حیوانات مختلف، گرگ را بر می گزیند تا شدت قتل و کشتار در عراق را نشان دهد چرا که گرگ، آن هنگام که به گله ای حمله ور شود، هرآنچه را که می تواند می درد. شاعری کوشد تا از این طریق چهره ای درنده خو، حریص و سیری ناپذیر از اشغالگران ارائه دهد. یحیی سماوی در قصیده " اباء"، روحیه انقلابی خود را میراثی از نخل - که برای شعرای مقاومت، نماد جنبش، و انقلاب است - می داند و ضربان قلبش را همچون شمشیری بر کمر کسانی می بندد که در عراق به مبارزه با اشغالگران درنده خوی می پردازند: النخلُ قَلْدَي رِفِغَهُ / وَأَنَا أَقْلُدُ نَبْضَ قَلْبِي لِلذَّيْنِ / يَقَاتِلُونَ الذَّنْبَ فِي الْبُسْتَانِ... (همان: 83-84) طارق حربی نیز در قصیده " البعثيون الفاشيون"، گرگ را در کنار درندگی، به عنوان نمادی از شهوت و تجاوز به ناموس معرفی می کند: «چشمانمانم را بر خوابی زخمی بستم / و از تبعیدگاهم، له له و نفس نفس گرگان در پوست بشر می شنوم / و از پنجره ام فریاد می زنم لیک کسی فریادم را نمی شنود / سوگند می خورم که وطنم هرگز منزلگه هرزه گران و روسپیان نخواهد شد» (حربی، عشرة في الحروب و عشرة في تيه البحر 2007 : 20) شایان ذکر است که در ادبیات مقاومت فلسطین نیز اصطلاحات نمادینی همچون تاتار، گرگ و دزد وجود دارند که بر خطر، خشونت، شیطنت و نابودگری اشغالگران اسرائیلی دلالت دارند. (سلیمان، 1376: 186)

2-3. خوک

خوک وحشی، حیوانی است که اغلب به صورت گروهی به مزارع بکر هجوم آورده و در پی ریشه گیاهان تمام مزرعه را ویران می کند. بیشتر شاعران این دوره برای ترسیم چهره ای ویرانگر از اشغالگران، آنها را به خوک هایی تشبیه می کنند که به بوستان عراق هجوم آورده اند و زیبایی و ثمر دهی آن را ویران نموده اند.

عدنان صائغ متولد سال 1955 در کوفه از شعرابی به شمار می‌آید که از نقاب برای ترسیم چهره واقعی اشغالگر بهره گرفته است. وی عضو اتحادیه ادبای عراق و عضو سندیکای روزنامه نگاران عراقی، عربی و جهانی و همچنین عضو باشگاه بین المللی قلم در سوئد است. در سال 1993 عراق را به مقصد عمان ترک کرد؛ سپس در سال 1996 به بیروت و از آنجا به لندن رفت و تا سال 2004 در آنجا اقامت گزید. وی از سال 2004 تا به امروز در لندن ساکن شده است. از مهم‌ترین جوایز وی: جایزه جهانی هیلمان هامیت برای ابداع و آزادی بیان در سال 1996 از نیویورک HELLMAN HAMMETT، جایزه جهانی شعر در سال 1997 در روتردام INTERNATIONAL AWARD POETRY، جایزه سالانه اتحادیه نویسندگان سوئدی در سال 2005 در مالمو. مهم‌ترین آثار چاپ شده وی عبارتند از: 1- انتظرینی تحت نصب الحریة 1984 / أغنیات علی جسر الکوفة 1986 / العصافیر لا تحب الرصاص 1986 / سماء فی حوزة 1988 و ... (الموسوعة العالمية للشعر العربی: ادب و وب سایت شخصی، 2010) این شاعر، عراق را به باغی زیبا تشبیه می‌کند و خوک‌های وحشی (خنزیر) را به عنوان نمادی برای اشغالگران برمی‌گزیند تا از این طریق شدت نابودگری و ویرانگری آنان را در عراق نشان دهد. وی در قصیده "الی کافافیس و نفسی"، اگر چه به طور مستقیم لفظ (خنزیر) را به کار نبرده است اما قرینه‌های موجود «حرث» و «اسنان» که از لوازم و ملائمت «خنزیر» بوده است، این لفظ را به ذهن تداعی می‌کند: «من چه اندیشه کنم؟ / بربرها اکنون آمدند / از خانه (سرزمینم) همه چیزش را غارت کردند / باغ را با دندان‌هایشان شخم زدند / و کلنگ‌ها و ابزار تخریب و آثار جرمشان را در بیابان‌ها بر جای گذاشتند / و بر روی سنگ، نامشان را به یادگاری نوشتند / و گرد من دیوارها بنا کردند بلند / و بلند / صائغ، و، بی تا: 19-20) عدنان، اشغالگران را همچون بررهایی می‌داند که امروز وارد عراق شده‌اند و هرآنچه را که در آن بوده، غارت کرده‌اند. یحیی سماوی در قصیده "فی وطن النخیل"، معتقد است از آنجایی که عصر حاضر، عصر جنگل است، چیدن گیاهان خدا در محراب، توسط خوک صفتان، امر عجیب و غیرمنتظره‌ای نیست و با توپ و تانک، دقّ الباب (در زدن)، مناسب و شایسته این دوران است: فی وطن النخیل / یحوقّ

للخزير أن يَحْصُدَ بالرصاصِ / عشبَ الله في الحرابِ / يحقُّ للمدفعِ أن يطرقَ كلَّ بابٍ / ما دام
 أن العصرَ عصرُ غابٍ (سماوی ، نقوش علی جذع نخلة ، 2006: 53) وی با ذکر " فی وطن
 النخيل " ارتکاب این امور را صرفاً منحصر عراق می داند. این شاعر عراقی، در یکی از
 زیبا ترین قصاید خود در هشتادمین قصیده از دیوان " مسبحة من حَزَزَ الکلمات "، عید
 خود را زمانی می داند که بستان و طنش از وجود خوک های اشغالگر، پاک شود: لا
 علاقة لأعيادی برؤية هلال في سماء / و اوراق تقويم علی جدار / العید عندی : / أن يملك
 كلُّ طفلٍ: / الدُميَّة ... الأرحوحة ... الحقيبة المدرسية / و كلُّ عاشقٍ : / منديلٌ مسرته
 ... قيثارته ... و حديقة نجواه / أن تكفَّ نواعيرُ الدم عن الدوران / و تغدو أرغفة الجياح اكبر
 من الصحنِ / و الصحنُ اكبر من المائدة / و أن يتطهر بستان الوطن / من خنازير الاحتلال (عید
 من هیچ ارتباطی با رؤیت هلال ماه / و برگ های تقویم بر روی دیوار ندارد / عید من
 روزی است { که هر کودکی داشته باشد: / یک عروسک ... یک تاب ... یک کیف مدرسه
 / و هر عاشقی داشته باشد: / دستمال شادی ... / گیتار ... و باغ نجوا / عید من روزی
 است { چرخ آسیای خون از حرکت باز ایستد / و قرص نان گرسنگان بزرگتر از
 بشقاب / و بشقاب بزرگتر از سفره باشد / و بستان و طن پاک شود / از خوکان
 اشغالگر) (سماوی ، مسبحة من حرز الکلمات ، ۲۰۰۸ : ۸۶)

2-3 سایر حیوانات

آنجا که شاعر می خواهد شدت قتل و کشتار را به تصویر بکشد، گرگ را به عنوان
 نمادی از درنده خوبی اشغالگران قرار به کار می برد و هر جا که از ویرانی ها و خرابی ها
 سخن می گوید، خوک وحشی را به عنوان رمزی برمی گزیند تا به اشغالگرانی اشاره
 کند که به باغ و مزرعه زیبا و آباد عراق هجوم آورده، آن را به خرابه ای مبدل کرده اند.
 علاوه بر این حیوانات، می توان حیوانات دیگری در اشعار برخی از شعرای این دوره
 مشاهده کرد که در راستای نشان دادن خصیصه های دیگری از اشغالگران و ترسیم درد
 و رنجی که عراق امروز با آن دست و پنجه نرم می کند، از آن بهره گیری می نمایند. به
 عنوان مثال، یحیی سماوی در قصیده " نقوش علی جذع نخلة " می کوشد تا فقر و

گرسنگی مردم عراق را بیان کند. وی اشغالگران را ملخ‌هایی می‌داند که به مزرعه عراق هجوم آورده، هر چیزی را می‌بلعند و چیزی بر جای نمی‌گذارند، سپس گرسنگان سرزمین رافدین (دو رود دجله و فرات، عراق) را به اتحاد فرا می‌خواند و تا آن را از وجود این ملخ صفتان پاک کنند و در آینده فرزندان و نوادگان‌شان گرسنه نمانند: «كُلُّ الْجَرَادِ الْبَشَرِيِّ الْآنَ فِي بَغْدَادَ / فَيَا جِياعَ الرَّافِدِينَ اتَّحِدُوا / وَتَطْفُوا الْحَقْلَ مِنْ الْجَرَادِ / كَمَا لَا يَجُوعُ فِي الْغَدِ الْأَبْنَاءُ وَالْأَحْفَادُ / فَإِنَّ تَأْمِينَ رَغِيفِ الْخَبْرِ / فَرَعٌ مِنْ فُرُوعِ شِرْعَةِ الْجِهَادِ» (تمام ملخ‌های بشری اکنون در بغداد است / پس ای گرسنگان رافدین به هم بپیوندید / و مزرعه وطن را از ملخ‌ها پاکسازی کنید / تا فردا فرزندان و نوادگان شما گرسنه نماند / زیرا به امانت گذاشتن قرص نان / بخشی از وظایق جهاد و جهادگران است) (السمای نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۱۰۷) در این قصیده می‌توان دعوت به اتحاد، مبارزه و جهاد را به همراه آینده‌نگری و پایبندی شاعر به نسل آینده مشاهده نمود. اما عدنان صائغ نیز، موضوع گرسنگی و فقر را در قصیده "مطر بلندن" به گونه‌ای دیگر به تصویر می‌کشاند و اشغالگران را به کلاغ‌هایی تشبیه کرده است که مزارع مردم گرسنه را غارت و ویران نموده‌اند: «يا مطراً يشخبطني {ناخوانا، بد خط نوشتن} علی الأوراق، كيف أُلتي؟ / وطناً تناهبه الطغاة / أو الغزاة / أو الظلاميون / أو فقل ما شئت: شعباً جائعاً وحقوله عاثت بما الغربان...» (صائغ، و، بی تا: 11) البته به عقیده شاعر، چپاول و طغش تنها توسط اشغالگران مهاجم غاصب نیست بلکه بدخواهان سیاه دل (الظلاميون) که سعی دارند از اوضاع ایجاد شده بهره ببرند، نیز در این عمل شریک هستند و شاید به همین علت کلاغ را به شکل جمع آن (الغربان) آورده است نه مفرد (غراب). این شاعر در قصاید دیگرش نیز نوعی از کلاغ را به نام (ابن ژریق: جی جاق، زاغ کبود) به عنوان رمز به کار برده است. (نک: صائغ، بی تا، ص 19)

4. صورتک‌های ویرانگر

در ادبیات عربی از صورتک‌ها، به قناع (نقاب) تعبیر می‌شود و از آن تعاریف متعددی ارائه شده است. صلاح عبد الصبور، نقاب را فنی می‌داند که در آن شخصیات میراثی در

اختیار شاعر قرار می گیرند و شاعر آنها را همچون نقابی بر می گیرد تا از لای آن ها، افکار خود را بیان نماید. (صدقی و عبدالله زاده، 2009: 141) احسان عباس نیز تعریفی نزدیک به نظر صلاح عبدالصبور ارائه می دهد: «در قناع، شاعر شخصیتی تاریخی را برمیگزیند تا از لای آن ها رویکردی را که می خواهد، اتخاذ نماید یا اینکه کاستی های زمان خود را بیان کند» (عباس، 1998: 121) البته تفاوتی که از این دو تعریف برداشت می شود این است که صلاح عبدالصبور، قناع را در شخصیات میراثی تعمیم می دهد و احسان عباس آن را به شخصیات تاریخی منحصر می گرداند. چنین به نظر می رسد که تعریف صلاح عبدالصبور کامل تر باشد، چرا که شخصیات میراثی، خود دربردارنده شخصیات تاریخی، اسطوره ای، ادبی و... است. شاعر عراقی نیز در این دوره از حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خود، نقاب های متفاوتی را برمیگزیند تا بتواند معانی مختلفی را به وسیله آنها بیان کند. از مهم ترین این نقاب ها می توان به شخصیت های مثبت و منفی زیر اشاره کرد: شخصیت های مثبت و تاریخ ساز: امام حسین (ع)، مریم عذرا (س)، عیسی (ع)، عمار بن یاسر، بلال حبشی، ابو ذر الغفاری، صلاح الدین ایوبی و... شخصیت های منفی، منفور و ویرانگر تاریخ مانند: ابرهه، هولاکو، و ابورغال، معاویه، یزید و... ما در این مقاله تنها به بیان و بررسی نقاب ها و صورتک های ویرانگر و منفور می پردازیم. شاعران این دوره توانستند از پس چهره ی این شخصیت ها، سیمای وحشیانه و ویرانگر نیروهای اشغالگر را به خوانندگان نشان دهند.

4-1. هولاکو

سرزمین اعراب در سال 617 هـ.ق مورد تاخت و تاز تاتارهایی قرار گرفت که از سرزمین چین به این مناطق هجوم آوردند (غریبی: 14) و در سال (1258 م. / 656 هـ) وارد شهر بغداد شدند و به قتل عام مردم و خلیفه عباسی پرداختند. (فاخوری، 1383: 860) فتح بغداد توسط هولاکو، آغاز سلسله ای از درد و رنج ملت عراق به شمار می رفت. (غریبی، 2004: 14) دکتر طارق فتحی سلطان در سمیناری که گروه تاریخ

دانشگاه موصل به مناسبت سومین سالروز اشغال عراق به دست نظامیان آمریکایی، برگزار کرده بود، مقاله‌ی ای را با نام "قراءة في أسباب سقوط بغداد على يد المغول عام ١٢٥٨هـ/ ١٢٥٨م" ارائه کرده است که در آن به بررسی و مقایسه اشغال عراق از سوی نیروهای مغول با نیروهای آمریکایی می‌پردازد. وی زمان آغاز هجوم هر دو به خاک عراق را روز چهارشنبه، هفتم ماه صفر می‌داند و معتقد است که در هر دو جنگ، عراق بعد از بیست و یک روز به اشغال کامل درآمده است. (فتحی سلطان، 2007)

هولاکو چنان خرابه‌ای از خود بر جای گذاشت که اعراب در طی قرون بعد از آن، این شخصیت را به عنوان نقابی برای نشان دادن تهاجم و وحشی‌گری برگزیده‌اند. در این دوره نیز عده‌ای از شعرای عراق، این شخصیت را نقابی برای نشان دادن چهره واقعی اشغالگران قرار داده‌اند. یحیی سماوی در قصیده "کلُّ عصرٍ وله "ربُّ" و "هولاکو" جدید " هولاکو را نماد رمز از آمریکا و اشغالگران قرار داده است و آنها را هولاکوی دنیای معاصر معرفی می‌کند: «کلُّ عصرٍ / وله "ربُّ" و "هولاکو" جدید / فَلَمَن جِئَتْ الخوذةُ آمریکا / وأرست سُفنا؟ / ألكی يُصبحُ "حُرّاً" بیثنا / و "سعیداً" غدنا / یا ابا ذرُّ الغفاری ألا قمت بنا؟ (سماوی، البكاء علی کتف الوطن، 2008: 43) زهیر هدله نیز در قصیده‌ی زیبا، اثر گذار و موسیقاییی "البراعمُ تموت... حاملة" ضمن اشاره به قتل کودکان بی‌گناه (براعم)، برای ذکر عوامل این قتل‌ها، به هجوم هولاکو به سرزمین‌های عربی و لشکرکشی آنها و زیان‌هایی که به مردم رساندند، اشاره می‌کند و از آن برای اوضاع جاری عراق نقابی برمی‌گزیند تا لشکرکشی نیروهای اشغالگر به خاک عراق را به تصویر بکشاند: «كَلِّمًا حازت ثلاثاً / بُرْعُمُ {جوانه، شکوفه} أَطْبَقَ حَفْنِيه على الحَلْمِ و مات / عقربُ اللدقات بِمِشِي / رهن أناتِ الفرات / یا نبیَّ الشرقِ لا تَحْجَلِ فَإِنَّ الشرقَ مات / عند ما یزحف هولاکو باذنٍ من قریش / ثم یعثو فی قریش (هدله، 2006: 36) شاعر در این قصیده به همدستی گروهی از اعراب وطن فروش در حمله هولاکو به سرزمین‌های عربی اشاره می‌کند و از آن برای بیان سرزنش مردمان قوم عرب که امروز به همدستی با نیروهای اشغالگر در صدد اشغال عراق برآمده‌اند، استفاده نموده است: «یا نبیَّ الشرقِ لا تَحْجَلِ فَإِنَّ الشرقَ مات / عند ما یزحف هولاکو باذنٍ من قریش / ثم یعثو فی قریش» (ای

پیامبر شرق، شرمسار مشو زیرا شرق مرد / هنگامه ای که هولاکو با اجازه ی قریش
حمله می کند / و در میان قریش تباهی و فساد بیار می آورد. (همان). یحیی سماوی در
قصیده " نقوش علی جذع نخلة " با زهیر هدله هم عقیده است و ضمن برگزیدن تاتارها
به عنوان نقابی برای نیروهای اشغالگر، به بیعت ممالیک عرب با آنها اشاره می کند:
كان الليلُ يشدُّ بالنهارِ / مهاجرًا من دونما أنصارٍ / مُنقَبًا في مُدن الرية عن يا قوته الحكمة /
تستفزه الريحُ فيستهزيءُ بالإعصار / و بالمماليك الذين بايعوا التتار (سماوی نقوش علی جذع نخلة،
2006 : 133- 132)

2-4. ابرهه

ابرهه بن صباح اشرم حبشی یکی از شخصیات تاریخی است که نام او یادآور "عام
الفیلی" است که وی در آن سال به کعبه هجوم آورد و قصد ویران نمودن آن را داشت
و خداوند او و سپاهش را هلاک نمود (نک: الطبرسی، 1995: 448-442/10) در قرآن کریم این
موضوع در سوره "الفیل" به وضوح آمده است. شاعران عراقی در این دوره، ابرهه را به
عنوان نقابی به کار گرفته اند تا بتوانند، هدف خصمانه و اندیشه ویرانگرانه اشغالگران
را نشان دهند. دکتر ابراهیم خزعلی در قصیده " ابرهه"، تصویری آرام از پایتخت های
عربی ارائه می دهد که ابرهه قصد بر هم زدن این آرامش را دارد: « بیروت عروس دریا/
و دمشق کبوتر صلح و آرامش / قدس مأذنه و صلیب / و بغداد امّ الدنيا / چرا ابرهه در
بوق و کرنا می دمد... / آیا پنداشته است که کعبه در بیروت است / یا در شام یا بغداد /
آیا گمان می برد که خداوند خانه اش را ترک و رها کرده است / و ابابیل در شعله های
صحراء مرده اند » (خزعلی، 2008، قصیده ابرهه الحوار المتمدن، العدد 2200، 2008/2/23) وی
در این قصیده، تمام عناصر واقعه حمله ابرهه به کعبه را برمی شمارد تا در لابه لای آن
بتواند افکار خود را بیان کند ابراهیم خزعلی در این ابیات، سرنوشت ابرهه را برای
اشغالگران قدس و عراق و کشورهای عربی پیش بینی می کند و نیروهای مقاومت و
کودکان مبارز غزه و بیروت و دمشق و بغداد و موصل و بصره و ابزار جنگی آنان را که
سنگ و فلاخن است، طیر ابابیل و حجاره سجیل می خواند: « یا ابرهة الحبشی إرجع / یا

ابرهه الأشرم عُد / عُد من حيث أتيت / بالأمس شهدت ابابيل / و حجارةً من سجیل / و اليوم اطفال ابابيل في غزّة / و حجارة من سجیل / و اطفال في بيروت و دمشق / و اطفال في بغداد / ولنا اطفال في الموصل و البصرة / أعيننا جمرات من سجیل / ولنا اجساد من نار / فكلّ الطرقات مغلوقة / و الأرض سماء نجعلها / ترميكم بالأحجار و بالنار / فإن كنا لا تملك / فيلة و جيوش جرّاره / كلنا زرعنا الأرض نزيحاً و جراهات « (ای ابرهه ی حبشی برگرد / ای ابرهه ابن اشرم برگرد / از همان جا که آمده ای برگرد / دیروز شاهد {مرغان} ابابیل بودی / و شاهد سنگهای سجیل / و امروز کودکان ابابیل / و سنگهای سخت سجیل در غزه اند / و کودکانی در بیروت و دمشق / و کودکانی در بغداد / و ما نیز کودکانی در موصل و بصره داریم {از همان سنخ و جنس} / چشمانمان سنگ‌هایی آتشین از سجیل اند / و بدن‌هایمان از آتش / پس {بدان و برگرد} زیرا همه راه‌ها بسته است / از زمین، آسمان می‌سازیم / و از بالا سنگ‌ها و آتش‌ها بر سرتان می‌ریزیم / گرچه ما / فیل‌ها و سپاهیان عظیم نداریم / لکن همه ما در زمین، سلاح و شرم و مقاومت و درگیری کاشته ایم) (همان) ابرهه، ابابیل، حجارة، سجیل و فیل از عناصر این حادثه تاریخی محسوب می‌شوند که شاعر، آنها را در شعر خود گنجانده است؛ اما آنچه که در این حادثه، در خور اهمیت است، وجود شخصی است به نام «ابورغال» است که اهل تمیم و راهنمای ابرهه در این لشکرکشی بود و در میان راه مرد (ابن منظور، 1414 ه.ق: 291 / 11) دهخدا در باره این شخصیت چنین می‌گوید: «ابورغال . [آر (خ) گویند آنگاه که ابرهه بن صباح صاحب الفیل بخراب کردن مکه می‌شد ابورغال دلیل و بلد حبشه بود و وی در راه بمرد و قبر او به مُغمس است به راه طائف و حاجیان آن سو چون بدانجا رسند گور او را سنگسار کنند. ابن سیده گوید ابورغال بنده شعیب و عشاری جائر بود. ابوداود در سنن، و بیهقی در دلائل النبوه از ابن عمر روایت کنند، آنگاه که در خدمت رسول به طائف می‌شدیم بر گوری گذشتیم و پیامبر صلوات الله علیه گفت این قبر ابورغال است، وی از قوم ثمود و پدر قبيله ثقیف است، اودر حرم و از حُمات حرم بود، آنگاه که عذاب بر قوم ثمود فرود شد او را نیز دریافت و بدینجا مدفون گشت» (دهخدا، 1363: ماده ابو رغال) (نک: ابن منظور، 1414 ه.ق: 291 / 11) شاعران

عراقی در کنار بیان این رویداد تاریخی، ابو رغال را به عنوان رمزی برای اعرابی که در حمله اشغالگران به عراق دخیل بوده اند و به ملت خود خیانت کرده اند، به کار می برند. ابراهیم خزعلی پایان قصیده خود را به اقتباس از قرآن کریم به دعا برای نابودی این شخص و ابرهه حبشی، اختصاص می دهد: *تَبَا... تَبَا لِأَبِي رِغَالٍ / وَ تَبَا لِئَبْنِهِ وَ أَحْفَادِهِ / وَ تَبَا لِأَبْرَهَةَ الْحَبَشِيِّ* (خزعلی، همان) یحیی سماوی نیز ضمن دعوت مردم به جهاد و نابود کردن اشغالگران، به ریشه کن نمودن خائنانی همچون ابورغال فرا می خواند: *بِاسْمِ الْفِرَاتِ الْمُسْتَبَاحِ / وَبِاسْمِ نَخْلِ مُثَكَّلٍ بِالسَّعْفِ وَ الْعَرْجُونِ / حَتَّى بَاتِ مَذْبُوحِ الظَّلَالِ / فَانْكَسْ بِمَجْرَفَةِ الْجِهَادِ الْوَحْلِ / وَ اسْتَأْصِلْ جَذُورَ «أَبِي رِغَالٍ» / «لَا يَسْلَمُ الشَّرْفُ الرَّفِيعُ مِنَ الْأَذَى» / حَتَّى يُزَالَ الْإِحْتِلَالُ / حَانَتْ صَلَاةُ الذُّوْدِ / حَيَّ عَلَى التَّرَالِ ... عَلَى التَّرَالِ / عَلَى التَّرَالِ (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، 2006: 129)*

4,4. اسلام ستیزی اشغالگران

اشغالگران، بعد از استیلای کامل برعراق درصدد برآمدند تا در برنامه های دینی و درسی این کشور، تغییراتی ایجاد کنند. این مهم از دید شاعران پوشیده نمانده و در برخی از قصاید خود به برنامه و توطئه آمریکایی ها در این زمینه اشاره نموده اند و کوشیده اند تا چهره اسلام ستیز آنها را به تصویر بکشند. طارق حربی در قصیده " ابوغریب"، آمریکایی ها را حاملان انجیل های جدید می نامد: « *کتاب الاحتلال / کان علیّ أن أصفع {سیلی بزمن} کتاب الاحتلال / الذین أمسوا آمریکیین / أكثر من الأمریکیین أنفسهم ! / حملة الأناجیل الجديدة / مروجی الأكاذیب عن حرية في المنام*» (حربی، شرع الجنوب، 2004: 40) یحیی سماوی نیز در قصیده " تعاویذ"، مردم عراق را به خاطر پذیرش ننگ اشغال سرزمینشان، سرزنش می کند و به آنها نسبت به آینده عراق، انحراف از قرآن و دین اسلام و یهودی سازی شهرهای اسلامی، هشدار می دهد: « *این ننگ تو را بس است / این ننگ تو را بس است / ای امت خدا بپاخیز / پیش از آنکه شب خشم و قهر با سیاهی اش باقیمانده روز را فرا گیرد / و قبل از آنکه "قرآن" آمریکایی شود / یا / شهرها، یهودی گردند*» (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، 2006: 154-153) شاعر می کوشد

تا با ذکر یهودی سازی شهرها (تهوّد الامصار) مردم عراق را هوشیار نماید و تجربه تلخ فلسطین و یهودی شدن تدریجی شهرها را، برای ملتش یادآوری کند که مبادا این تجربه در عراق نیز تکرار شود. عبدالفتاح صالح عانی، دیگر شاعر عراقی در قصیده " دیمقراطیه آمریکا"، تغییرات ایجاد شده در روش تعلیمات دینی، توسط آمریکایی ها را این گونه تبیین می کند: «ما به گذشتگان چه بگوییم / آیا از آینده نوادگانتان خبر داشتید / {بدانید} در روز روشن، آمریکایی سازی کشورهایتان انجام می گیرد / آنان در پس پرده ستیز و اختلاف امت، وارد خانه ها می شوند / آنان، خواستار حذف بخشی از کتابمان {قرآن} هستند / کتابمان، منشور احمد {ص} / در راستای برنامه های موساد / موسادی که جنایات مرتکب شد آنگاه که / همه برکات و نعمتهای سرزمینمان، عراق را در چنگ گرفت « (عانی، 2004) عبدالفتاح صالح عانی همچون یحیی سماوی هم به اسلام ستیزی آمریکایی ها اشاره می کند و هم به ماجرای اسرائیل و یهودی سازی سرزمین فلسطین. در این راستا، یحیی سماوی در قصیده " اخرجوا من وطنی " ضمن اشاره به اهانت اشغالگران به مقدسات اسلام، تصویر تأثیر گذار و اندوهناکی از جنایات آنها در عراق، ارائه می دهد: « طفل بلا ساقین / و طفلة مشطورة نصفین / وطاعنٌ دون ید / و امرأةٌ مقطوعةُ النهدين / و كوةٌ فی قبةِ الحسین «جمیعها: / حصادُ طلقتین من دبابةٍ / مرّت بـ « کربلا» / نحية لیوم «عاشورا» (پسر بچه ای بدون پا، دخترکی دو نیم شده و مبتلا به طاعونی بدون دست و زنی با سینه های بریده و شکافی در گنبد امام حسین (ع) همگی محصول شلیک تانکی است در کربلا. به خاطر گرامیداشت روزعاشوراء» (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، 2006: 11-9)

نتیجه

بسیاری از شعرای معاصر عراق در فاصله زمانی سال 2003-2010 (از اشغال عراق تاکنون)، اهتمام ویژه ای به موضوع اشغالگری داشته اند. بسیاری از آنان شعر خود را در خدمت مبارزه و لزوم اخراج و عقب نشینی اشغالگران از وطن، دعوت مردم به پایداری، وحدت همه عراقی ها، بازگشت به تاریخ طلایی و درخشان اسلامی، لزوم

بهره گیری از آیات قرآن در مبارزه، گرفتند. در این میان شعرای عراقی مهاجر، نقش عمده ای را ایفا نمودند. شعر پایداری این دوره با به کارگیری اسالیب مختلف از جمله رمز، تمثیل، نقاب و... تا حدودی توانست پرده از چهره واقعی اشغالگری و اهداف واقعی اشغالگران بردارد و سیمای درنده خو و متوحش و خون آشام آنان را به خوانندگان بنمایاند. شعرا در قصایدشان، چپاول منابع نفتی، غارت میراث فرهنگی ملی عراق و ستیز با اسلام و آموزه های دینی را از مهم ترین اهداف اشغالگری معرفی کردند.

منابع و مأخذ

الف). کتب و مقالات

- قرآن کریم
- ابن منظور، محمد بن مكرم (1414) لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- حربی، طارق (2004) دیوان شراع الجنوب، الطبعة الاولى، دمشق.
- خرسانی، حسن رحیم (2006) صمتی جمیل یحبُ الکلام، مرکز النور.
- خزعلی، ابراهیم، (2008)، قصیده ابرهه، صحیفه الحوار المتمدن، العدد 2200، 2008/2/23.
- دهخدا، علی اکبر (1363) لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- الساعدی، عارف (2009 م). عمرة الماء، الطبعة الاولى بغداد، منشورات الاجتهاد..
- سلمان محمد، ماجدة (2007) تنهدات... نخلة، مرکز النور.
- سلیمان، خالد (1376 هـ. ش) فلسطین و شعر معاصر عرب، ترجمه شهره باقری و عبد الحسین فرزاد، چاپ اول، تهران، انتشارات چشمه.
- سماوی، یحیی (2008 م) البكاء علی کتف الوطن، الطبعة الاولى، دمشق - حلبونی، التکوین.
- سماوی، یحیی (2008 م) مسبحة من خرز الكلمات، الطبعة الاولى، دمشق - حلبونی، التکوین.
- سماوی، یحیی (2009 م) شاهدة قبر من رخام الكلمات، الطبعة الاولى، دمشق - حلبونی، التکوین.
- سماوی، یحیی (2006 م) نقوش علی جذع نخلة، الطبعة الاولى، التنفيذ و الطباعة : حسین علی جرادی.

- صدقی، حامد و عبدالله زاده، فواد (2009/ 1430 هـ. ق.) القناع و الدلالات الرمزية لـ «عائشة» عند عبد الوهاب الیاتی . مجله‌ی العلوم الانسانیة الدولية ، العدد 16(3) 45-55.
- الطبرسی، امین الدین ابو علی الفضل بن الحسن (1995) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 3، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عباس، احسان (1998م) اتجاهات الشعر العربی المعاصر، الكويت، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الاداب.
- عیبدی، ودیع، مقدمه ای بر دیوان سقوط مردوخ با عنوان : مدخل الی قصیده الکارثة العراقیة "
- حسن الخرسانی و سقوط مردوخ (2005 م) اثر حسن رحیم خرسانی، چاپ اول، ضفاف،
- غریبی، خلیل قاسم (2004 م) الغزو المغولی و اثره فی الشعر، دمشق، مجله‌ی جامعه‌ی الدمشق، المجلد 20، العدد (2+1)
- الفاخوری، حنا (1383) تاریخ الادب العربی ، چاپ سوم، تهران ، انتشارات توس.
- فتوحی، محمود (1385 هـ. ش.) آیین نگارش مقاله علمی – پژوهشی، تهران، سخن.
- نظری، علی و عزیز، نعمت . (1388) . ((بازتاب مقاومت در شعر یحیی سماوی)) ، ارائه شده در همایش ملی ادبیات مقاومت در لبنان . رشت : دانشگاه گیلان 14 و 15 آبان ماه 1388
- (ب). منابع اینترنتی و الکترونیکی:
- ارناژوط، عبد اللطیف . (2007 / 08 / 12) . ((الافق نافذتی " لمحات من الشعر الوطنی ")) . <http://www.arabs48.com/display.x?cid=5&sid=84&id=4407> .
- ادب : الموسوعة العالمیة فی الشعر العربی، وب سایت تخصصی (آخرین بازنگری 21 ژوئن 2010)
- <http://www.adab.com/modules.php?name=Sh3er&doWhat=ssd&shid=92> حربی، طارق، (2009) ، وب سایت شخصی، (آخرین بازنگری 26 سبتمبر 2009)
- <http://home.chello.no/~harbi/siear.htm> حربی، طارق . عشرة فی الحروب و عشرة فی تیه البحر، مرکز اعلامی ثقافی فنی مستقل :
- (النور) ، وب سایت تخصصی . (آخرین بازنگری 3 ژوئن 2009) .
- <http://www.alnoor.se/article.asp?id=3878> دلیمی ، ایاد . (2009 / 4 / 6) . شعراء عراقیون مقاومون من نوع آخر . میدل ایست آنلاین .
- <http://www.middle-east-online.com/?id=25904>

- ساعدی ، عارف . (2010) . مؤسسهٔ جایزهٔ عبدالعزیز سعود الباطین للابداع الشعری . وب سایت شخصی (آخرین بازنگری 21 ژانویه 2010)
<http://www.albahrainprize.org/Encyclopedia/poet/0806.htm>
- سلمان محمد، ماجده . (2010 / 1 / 7) . ((مرکز اعلامی ثقافی فنی مستقل : النور)) .
<http://www.alnoor.se/author.asp?id=304>
- شعبان، پریراد. (2009 / 4 / 10) هل كفر الشاعر شيركو بيكس عندما قال انا كوردی ؟؟، مرکز اعلامی ثقافی فنی مستقل : النور .
<http://www.alnoor.se/article.asp?id=44996>
- صائغ، عدنان . (2010) . عدنان الصائغ . وب سایت شخصی (آخرین بازنگری 21 ژوئن 2010)
<http://www.adnansayegh.com/ara/index.asp?DO=BIO>
- صائغ ، عدنان.(2009)، ایمیل به مولف، 21/5/2009 [از طریق ارتباط های شخصی با نگارندگان]
- عانی، عبد الفتاح صالح،(2004) قصیده " ديمقراطية امريكا " به نقل از : الدلیمی ، ایاد ، شعراء عراقیون مقاومون من نوع آخر . . <http://www.middle-east-online.com/?id=25904>
- العبيدی ، ودیع ، (2006)، ملامح و اتجاهات الادب العراقي فی عهد الاحتلال، دیوان العرب : مجلة ادبية ثقافية فكرية اجتماعية.
- <http://www.diwanalarab.com/spip.php?article5782>
- فتحی سلطان، طارق. (2007) . قراءة فی اسباب سقوط بغداد علی يد المغول عام 656 هـ / 1251م ، مجله الكترونيكي الفسطاط : المجلة التاريخية ، 2007/10/7 .
- http://www.fustat.com/I_hist/sultan_2_09.shtml
- مشهدی رجیبی ، مونا . (29 دی 1388) . حراج نفت عراق برای کمک به آمریکا، خبرنامه ایران دیپلماسی .
<http://www.irdiplomacy.ir>
- نجار، محمد (2009)، محمد نجار . وب سایت شخصی . (آخرین بازنگری 1 بهمن 1388) .
<http://www.mohamednajar.org/36.html>

الاحتلال في شعر العراق الحديث من الاحتلال ٢٠٠٣م حتى ٢٠١٠م.

الدكتور على نظری

استاذ مساعد في اللغة العربية و آدابها بجامعة لورستان

الدكتور السيد محمود ميرزائی الحسيني

استاذ مساعد في اللغة العربية و آدابها بجامعة لورستان

نعمت عزيزی

ماجستير في اللغة العربية و آدابها بجامعة لورستان

الملخص

إن احتلال العراق من قبل القوات التحالف في نيسان (مارس) ٢٠٠٣م، يعد من أهم الأحداث و الكوارث في القرن الحادي و العشرين. فقد أدّى هذا الاحتلال الى تطورات حسيمة في المجالات السياسية، الاجتماعية و الاقتصادية. و أنّ الادب لاسيما الشعر في أرض العراق مرآة صافية لتوصيف التدمير و القتل و الجرائم و الكوارث التي سببها الغزاة المحتلون. لقد حاول الشعراء العراقيون في هذه المرحلة ازالة القناع عن الوجه المزيف للقوة المحتلة فكشفوا اللثام عن ديمقراطيتهم المزيفة و اظهروا للشعب العراقي، الاهداف الكامنة الرئيسة التي اخفتوها وراء الحرية و الديمقراطية. بناء على ذلك، استخدم الشعراء العراقيون الاساليب المختلفة للوصول الى اهدافهم، منها الرمز و التمثيل فاتخذوا الذئب، رمزا للقتل و سفك الدماء و الخنزير، رمزا للدمار الشامل، كما اتخذوا الشخصيات التاريخية المشوهة كهولاكو و الابرهة و ابي رغال، تمثيلا تاما للقوة المحتلة في العراق. هذه المقالة تحاول ان تحلل تجليات الموضوعات المذكورة في شعر العراق الحديث منذ الاحتلال (٢٠٠٣-٢٠١٠)

المفردات الرئيسية: قوات التحالف، شعر العراق الحديث، المحتلّين